

انقلاب طب انقلابی بدل به یک آلترنا تیفوقوی خواهد شد  
و سازمانها و حریات با بورژوازی هم تلاش میکنند که در زمان  
معین با اتکال بر نیروهای طبقاتی خود جایگزین حکومت  
گردند. یعنی در ضمن مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری  
اسلامی در بطن این مبارزه، مبارزه طبقاتی برای تثبیت  
نک. آلترنا تیفوقوی در حریان است که در نهایت یا به شکلی از تسلط  
بورژوازی خواهد انجامید و یا اینبار حکومت دمکراتیک  
انقلابی یا به نفعی خود را مستحکم خواهد کرد

س (۱۱۱) - بعد از ۳۰ خرداد که مبارزه مسلحانه‌ی شهری ابعاد  
وسعی گرفته بود خصوصاً بعد از اعدام انقلابی سران  
کومنت، بعضی از نیروهای مخالف رژیم از جمله  
سازمان مجاهدین خلق ایران، این امید را سه  
و خود آورده بودند که برودی رژیم سقوط خواهد کرد و  
سازمان مجاهدین خلق نیز انتظار داشت که تحسنت  
با غیرمدار زده مسلحانه‌ی شهری مردم و بیجا وارد میدان  
شوند. ولی علیرغم این ایسکارات، بنظر میرسد  
که رژیم توانسته است ظاهر را خود را حفظ کند و بوده‌ها  
از خود واکنشی نشان نداده اند شما این شرایط  
را چگونه تحلیل میکنید؟

ج (۱۱۱) - من وارد این صحبت نمی شوم که چه نیروها یا چه  
کسانی با از بین رفتن چند مهره حکومتی به سرنگونی  
حکومت امیدوار بودند و یا چه دلایلی داشتند.

بنظر ما مجاهدین خلق تا قبل از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ سیاست  
معاسات حویا به رژیم جمهوری اسلامی را در پیش گرفتند  
بودند و بوده‌های مردم را ارگستن قطعی از رژیم جمهوری  
اسلامی و مبارزه انقلابی با آن سازمان داشتند و بعد از آن تاریخ  
با ایجاد ناکتیک برورگسترده عملاً نقش مهمی در کنار ردن

توده‌ها از شرکت مستقیم و عملی در مبارزه سیاسی و ایجاد بسی  
 تفاعلی و انفعال و انتظار تغییر از بالا باری کردند .  
 س (۱۲) - بعد از ۳۰ خرداد " شورای ملی مقاومت " بوجود  
 آمد و در ابتدا اینطور واسمود شد که این شورا میتواند  
 آلترناتیو خوبی در مقابل رژیم باشد اکنون وضع  
 این شورا را چگونه می بینید . اصولا آیا شورا با  
 وضعیت کنونی میتواند به امید توده‌ها مبدل گردد ؟  
 ج (۱۲) - هما بطوریکه میدانید رژیم جمهوری اسلامی کسب از  
 ابتدا سیاست عوام‌فریبی و تکیه بر توهم توده‌ها را  
 پیش گرفته بود با روی آوردن به سیاست کشتار و ترور  
 آشکار در سراسر کشور یورش وسیع و وحشیانه‌ای به  
 جنبش انقلابی و جنبش کارگری روی آورد و اختناق  
 بی سابقه‌ای را بر کشور حاکم کرده است در چنین  
 وضعیتی طیف وسیعی از اپوزسیون‌های گوناگون  
 که طبقات و اقشار اجتماعی ایران را نمایندگی می  
 کنند بوجود آمده است .

یکی از این اپوزسیون‌ها شورای ملی مقاومت است . شورای ملی  
 مقاومت که پیوند بین مجاهدین خلق ، بسی صدر و حزب دمکرات  
 کردستان ایران و عراق و برخی نیروها و روشنفکران لیبرال  
 دیگر است بیانگر این واقعیت است که خرده‌بورژوازی مترسول  
 در شرایطی که صف مستقل و نیرومند پرولتری وجود داشته باشد  
 که آنها را بسوی دمکراتیسم انقلابی جلب کند ، به زیر پرچم  
 لیبرالیسم بورژوازی خواهند افتاد و همین جماعت هم بس  
 شورای ملی مقاومت دلبسته اند . ولی همانکه از برنامسه  
 شورای ملی مقاومت پیدا است این نیرو با عنوان کردن جمهوری  
 اسلامی از دگرگونی رژیم بوسیله توده‌ها را ساان است و روش و  
 عملکرد نیروهای متشکله آن هم نشان داده است که چشم به تغییر

و در این باره، علاوه بر دولتی جیاسکه می بینیم این سیاست سارس -  
در این باره ما آن سرمایه بورژوازی لیبرالی عدم کفایت خود را در  
این باره، اثبات کرده است و بنا بر این شورا به آنها امید  
و به آنها نکرده است. هم اکنون بلکه کارائی جذب خورده بورژوازی  
و این را هم از دست داده است زیرا عناصر خورده بورژوازی  
بسیار با آرزوهای سرریز سروری سریع اکنون به مایوسین  
و نا امید شده اند.

ج (۱۳۱) - ممکن است بگوئید چرا هیچ سازمان و نیروی چپ  
با ایده سدهای در این شورا شرکت ندارد ؟  
ج (۱۳۲) - تنها منظورتان از نیروی چپ نیروهای است که  
لااقل خود را مارکسیست - لنینیست میدانند و یا حتی  
خود را مارکسیست میدانند.

اگر منظورتان این باشد طبیعی است که هیچ مارکسیستی مادام  
که خود را مارکسیست میدانند طالب جمهوری دینی نخواهد بود  
بگذریم، خود سرمایه شورا ملی مقاومت که قبلا به آن اشاره  
کردم که کاملاً بورژوازی است.

س (۱۳۳) - بعد از ۳۵ خرداد فعالیت سازمانهای کمونیستی  
در حقیقت تقریباً صفری بود. یعنی نقش فعالی که  
در روزهای قیام ۵۷ داشتند در این روز و روزهای  
بعد از ۳۵ خرداد داشتند من فکر میکنم جنسیتش  
کمونیستی در داخل ایران در نهایت ضعف و پراکندگی  
سرمه در فکر میکنند این وضع تا کی ادامه خواهد  
داشت و کلاً بگوئید ریشه و خصوصیت بحران چیست در  
ایران چیست ؟

ج (۱۳۴) - اگر اطلاع داشته باشید سازمان اتحاد مبارزان  
کمونیست که قبلاً بنام سپید مقالات و حرکات تئوریک  
ارزنده ای منتشر کرد در این طرح مسئله بیویولینسم

که بطور کلی تربیگویم با افکار خورده بورژوازی درون جنبشش کمونیستی که نقش صف پرولتاریا را تا حد هم سر نوشتی با خورده - بورژوازی و بخشی از بورژوازی (بنام بورژوازی ملی) شنزل میداد و علیرغم شعارهای به ظاهر چپ بخشی از بورژوازی را تطهیر مینمودا. علان جنگ داد طرح این مطلب در سازمان ما که همواره در طی سالیان مبارزه مستمرش در تکامل بوده و همواره زمینیه پذیرش مارکسیسم انقلابی را داشت باعث تثبیت این نظریه شده یعنی ما با طرفدار افکار التقاطی (پوپولیستی) گام بزرگی در تحکیم مارکسیسم انقلابی و صف مستقل پرولتاریا برداشت جنبش کمونیستی ایران بدلیل همین ضعف اساسی بینشی علیرغم شکوفائی ظاهری سازمانها و گروههای مختلف نتوانست قطب مستقل و مبارزی برای دفاع از دستاوردهای قیام را تشکیل دهد، نمی توانست به برنامہ مستقل پرولتاریا برای مبارزه با بورژوازی برسد، و در نتیجه تکرار میکنم نمیتوانست به شکل در سازمان آگاه و رزمنده پرولتاریا یعنی حزب کمونیست دست یابد.

و عدم کارائی این سازمانها و گروهها در ادامه مبارزه خود صحت نظریاتمان را اثبات میکند، توهم نسبت به بورژوازی که بخشی از آن را انقلابی دانستن و از ذهنیت خود بخش متری را در دولت جمهوری اسلامی دیدن، و دهها انحراف دیگر ناشی از این بینش نادرست این سازمانها در ادامه مبارزه ناتوان میساخت، سازمان چریکهای فدائی خلق قبل از توانائی دولت در سرکوب گسترده به آنچنان سر نوشتی مبتلا شد، سازمان رزمندگان، از هم پاشید و..... ولی در عین حال از بطن این مبارزه مارکسیسم انقلابی متولد شد.

و سازمان ما که در فروردین ۶۰ اولین برنامہ خود را تصویب نمود و در ادامه و تکامل آن درکنگره سوم برنامہ

حزب کمونیست را به تصویب رساند و گام بلندی در تثبیت  
 مارکسیسم انقلابی در ایران برداشت. در طی این چهار سال  
 دوران تازه‌ای به روی انقلابیون مارکسیست گشوده شده است،  
 بویولسم و یا پیش خرده بورژوازی مارکسیستی عدم کفایت خود  
 را نشان داد هر چند این دستاورد به قیمت بسیار گزافی برای  
 پرولتاریا و انقلابیون کمونیست تمام شده است اما در جهت  
 دستیابی به برنامه و تحکیم صف مستقل پرولتاریا دوران پر  
 باری بود، و به نظر من چه قبل و چه بعد از ۳۰ خرداد مارکسیسم  
 انقلابی در حال شکوفائی بود و بعد از آنهم قدرت رزمندگی سازمان  
 ما بطور مشخص و سازمان اتحاد مبارزان کمونیست و انقلابیون  
 کمونیست دیگری که با درک انحراف بینشی حاکم بر جنبش  
 کمونیستی به مارکسیسم انقلابی روی آوردند و به افزایش پیوسته  
 و شکست و عقب نشینی سازمانهائی که بعنوان مارکسیست معروف  
 بودند نه عقب نشینی و شکست کمونیسم بلکه شکست و عقب نشینی  
 انحرافات اندیشه آنان بود و باز تکرار می کنیم که از بطن این  
 مبارزه مارکسیسم انقلابی با اراخه برنامه حزب کمونیست اکمون  
 هر روز شکوفائی را گذشته به پیش می رود و بحق میتوان مدعی شد  
 تا به امروز هیچ وقت مارکسیسم لنینیسم به قدر تمندی امسروز  
 در ایران وجود نداشته است.

س (۱۵) - به نظر شما چه قشرها و طبقاتی در جامعه ما انقلابی است  
 و نقش این طبقات و گروههای اجتماعی را در انقلاب  
 آینده چگونه می بینید ؟

ج (۱۵) - فکر میکنم جواب سؤال با صحبتهائی که تا کنون  
 کرده ایم روشن باشد، تنها طبقه‌ای که بالقوه تا به  
 آخر انقلابی است و کارائی ادامه مبارزه را به سر  
 انجام رساندن سوسیالیسم را میباشند تنها طبقه  
 پرولتاریاست و ستاد آگاه و رزمنده آن یعنی حزب

کمونیست فقط با تکیه بر این طبقه است که میتواند دبر را مسکه انقلاب را ارائه داده و سایر اقشار زخمیکشان و توده محروم را به دور آن جمع نماید . یعنی با ارائه برنامه پرولتاریا برای انقلاب ایران ( فرموله کردن خواستهای انقلاب ایران و درک قانونمندی این مبارزه ) است که میتوان رهبری پرولتاریا را تضمین و اقشار غیر پرولتاریا را توده های محروم در این شرایط است که از زیر سلطه احزاب و سازمانهای بورژوازی بیرون خواهند آمد و انقلاب پیروز مندمکراتیک تحقق پیدا خواهد کرد . وگرنه اگر حزب کمونیست موجود نباشد نه تنها اقشار خرده بورژوازی بلکه پرولتاریای ناآگاه هم به انقیاد حکومت و نیروهای بورژوازی خواهند افتاد .

س (۱۶) - برخاستنی از سازمانها و شخصیت های سیاسی این رژیم فاقد برنامه اند و یکی از خصوصیت این رژیم بی برنامه گی آن است . به نظر شما این نظریه درست است .

ج (۱۶) - بنظر من حکومت جمهوری اسلامی اساسی ترین و اصلی ترین رسالت خود را تا آنجا که در قدرت دارد انجام میدهد ، آنهم سرکوب پرولتاریا و کمونیستها و انقلابیون دیگر است ، و این مهمترین و حیاتی ترین بخش زندگی این حکومت است و بهمین خاطر است که گه بی پرده ترین و عریان ترین سازمان وحشت و ترور پرولتاریا را به وجود آورده است .

و اگر مثلاً برنامه ریزی دقیق اقتصادی و ..... ندارد ، نه علت اینکه خصوصیتش در بی برنامه گی باشد بلکه اساساً دولتهای بورژوازی با احوال تابع جریان سرمایه داریند و طبیعتاً در شرایط بحران با درهم ریختگی مکابیس سرمایه داری برنامه آنها هم مختل خواهد شد و کارائی کوتاه مدت ترین برنامه ها را

هم اردست میدهند .

س (۱۷) - قیام سہمن ماہ ۵۷ چہ تغیراتی در وضعیت نیروها  
و کیفیت مبارزات تودہ ہا بوجود آورده است ؟

ج (۱۷) - بنظر من اگر بخواہیم تحلیل مفصلی ارتغییرات  
اجتماعی کہ بر اثر قیام بوجود آمده است بدست بدهیم  
در حوصلہ این گفتگو نیست ، ولی در ضمن تغیرات  
روش و بدیہی ای کہ برای ہر کس قابل لمس است  
را میتوان مختصراً چنین بیان داشت :

بالا رفتن سطح آگاہی کارگران و تودہ ہای محروم و ستمدیدہ ،  
تکامل مبارزات عام و ہمعصر بہ سازمان یافتہ شدن و اینکسہ  
گروہ ہا و سازمان ہا ہر یک بہ توسعه و رشد عظیمی کردند ،  
معنی مکاسب قیام و سیاسی شدن تودہ ہا باعث رشد و وجود  
آمدن سازمان ہا و گروہ ہا شد ، در مرحلہ بعد میرسیم بہ چگونگی  
این سازمان ہا و گروہ ہا و چگونگی ادامہ مبارزہ شان ، کہ ہر  
سازمان و گروہی بہ سربیش طبقانی خود سعی در ادامہ مبارزہ  
بہ شوق خود و با مشارکت حکومت شد و این دوران کہ پرازنجار  
فراوان انقلابی است ، در واقع سرہ از ناسرہ جدا میشود .  
در ہر روز و واہای منزلزل با مشارکت و کاہاتظاہرات  
نمایشی میخواہند پارتہای ہر چند کوچک را از حکومت بگیرند ،  
مانند سازمان چریک ہای فدائی خلق ایران بخش " اکثریت "  
تماماً تسلیم حکومت بورژوازی گشتہ و عملاً ہم جزہ خائنین و  
صدانقلابیوں در آیند ، و آنہائی کہ نتوانستند خود را از قیام  
بیمشہای حردہ بورژواری برہا بکنند تا توان از ادامہ مبارزہ قبل  
از سرکوب ہا احلال کشیدہ شدند .

مثل سازمان وحدت انقلابی ..... رزمندگان ...  
ویاتابمقابلہ با شرایط سخت دیکتاتوری بورژوازی حاکم  
را با آورده و عملاً از صحنہ مبارزات اجتماعی ایران بکنسار





ب - بر حیدر شدن ارتش و سایر نیروهای مسلح حرفه‌ای جدا  
 از مردم و جایگزین شدن آنها با تسلیح عمومی مردم  
 ج - سرچیده شدن بوروکراسی دولتی مافوق مردم و جایگزینی  
 آن توسط نظام دمکراتیک اداره کشور  
 با در نظر گرفتن ارکان فوق می بینیم که اکثریت عام بوده‌های  
 مردم که مرکب از کارگران و زحمتکشان و نواده‌های ستمدیده  
 هستند امکان اعمال اراده خود را ندارند. و این انقلاب بدون  
 درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی ( دیکتاتوری بورژوازی )  
 امکان ندارد و بی نخواهد داشت .

س ( ۲۱ ) - تا من دمکراسی آینده چیست ؟ فکر میکنید کدام  
 طبقه میتواند آنرا تصمصیم کند ؟

ج ( ۲۱ ) - در درجه اول پرولتاریا و سارمان آگاه و ورزمننده  
 ( و حزب کمونیست ) بایه ماهیت مترقی خود  
 احساس مبرم به دمکراسی دارند که میتواند آگاهی  
 و شکل طبقانی خود را هر چه وسیعتر فراهم نماید .

همچنین رخصتکاران و افشاریهی دست شهر و روستا که با برافکندن  
 دیکتاتوری بورژوازی همیشه رشد ریفین اجتماعی خود را در همه  
 عرصه‌ها فراهم میکنند. بنابراین در سوراخهای مسلح بررگترین  
 ضامن این دمکراسی خواهند بود .

س ( ۲۲ ) - تا توجه به اینکه شرایط بسیار مساعدی برای  
 سارماندهی طبقه کارگر در جامعه ما وجود داشت .  
 بروند تشکیل حزب طبقه کارگر ایران را چگونه می  
 بینید ؟

ج ( ۲۲ ) - چنانکه در سئوالات فوق بدان اشاره کردم بنای پایه  
 سلط دهنیت خرده بورژوازی ( بویولستی ) بر  
 سارمانها و گروههای مدعی مارکسیسم سالها بود که  
 کارائی مبارزین کمونیست برای رسیدن به حزب

کمونیست عملاً سد شده بود. همچنانکه اشاره کردید که شرایط مساعدی وجود داشت ولی به همان دلیلی که ذکر شد حزب نتوانست تشکیل شود. اما از سال ۶۰ به بعد با روشن شدن نقطه گریهی این سد یعنی دستیابی به برنامۀ و تدوین برنامۀ حزب کمونیست راه دستیابی به حزب کمونیست هموار شد و به نظر ما حزب کمونیست ایران با تشکل انقلابیون کمونیست حول برنامۀ حزب کمونیست تشکیل خواهد شد.

س (۲۳) - درباره جنگ ایران و عراق بگوئید این جنگ را چگونه تحلیل میکنید، آیا این جنگ در بقای رژیم اسلامی نقشی داشته است. و در مبارزۀ نهادهای چه تائیری گذاشت و تداوم آن چه سودی برای رژیم اسلامی ایران دارد؟

ج (۲۳) - ما در فروردین ۵۹ (۶ ماه قبل از وقوع جنگ) جزوهای درمورد جنگ ایران و عراق نوشتیم. چون پیش بینی جنین جنگی کاملاً امکان پذیر بود، ما جنگ ایران و عراق را جنگی ارتجاعی ارزیابی کردیم و تلاش حکومت جمهوری اسلامی در دامن زدن به این جنگ برای موحسۀ جلوه دادن سرکوب انقلاب کاملاً چشمگیر است. رژیم جمهوری اسلامی برای سرپوش نهادن بر بحران اقتصادی که تداوم بحران سالهای آخر حکومت شاه بود و همچنین به بها به جنگ سرکوب عربیان وسی سابقه ای را علیه کوچکترین حرکت انقلابی بکار برد و اکنون هم با عوارضی که در نتیجه جنگ بدان میتـلا گشته است از خاتمه جنگ هراسان است چون خاتمه دادن به جنگ بدون پیروزی احتمال سقوط حکومت جمهوری اسلامی را احتمالی میسازد، و از طرف دیگر ادامۀ جنگ با فشار فراوان اقتصادی که در حکومت جمهوری اسلامی میآورد، کارائیش را در ادامۀ آن کاهش داده است. رژیم جمهوری اسلامی در یک تناقض و بی نسبت

نبر کرده است و علاوه بر آنها سرس ارفیام شونده ها خطری جدی  
است که حکومت را تهدید میکنند، در این گیرودار می بینیم که  
حکومت جمهوری اسلامی خود را ناچار از ادامه جنگ می بیند.

س (۱۲۴) - خدا نکند مندا بعد در بحس وسیعی ارمیهن ما، یعنی  
کردستان مداره مسلحانه جریان دارد و قریب ۴ سال  
است که ارتش و سیاه و کمیسه ها نتوانسته اند حلق  
فهرمان کرد را سران برد آورند و به موفقیت های  
حشمگیری برسند. بنظر شما این مبارزه در رابطه با  
انقلاب ایران چگونه است و کلاً چگونه باید انجام گیرد که در  
بازه خود مختاری و نامین حقوق خلقهای ستمدیده  
ایران چگونه مبادیست و چه بیضیهادی دارند؟

ج (۱۲۴) - در مورد مبارزات خلق کرد این بکنه را گویم که  
علاوه بر اینکه این جنبش بر اساس جنبش ملی دمکراتیک  
رشد و گسترش یافته است اما راه حل پرولتاریائی  
برای رهبری و ادامه آن، آن را تبدیل به جنبش  
انقلابی خلق کرد نموده است و جریان انقلابی  
رهبری کومه له در کردستان را خارج از حکومت جمهوری  
اسلامی با کنون برای حفظ و گسترش دستاوردهای  
پیام بعضی مؤثری داشته است و اکنون در واقع سبک  
انقلاب ایران کردستان است.

درست است که مبارزات خلق کرد بصورت کلی اگر بآن بنگریم  
به تنهایی نمیتواند حکومت را سرنگون کند اما در شرایط ویژه  
کنونی شکست حکومت در کردستان ضربه مرگباری بر آن محسوب  
خواهد شد و به دلیل پیوند مبارزاتی وسیع خلق کردگامی در  
تسبیب دمکراسی و گسترش انقلاب در ایران خواهد بود.

در مورد خود مختاری و حقوق خلقها باید بگویم که ما در شرایط  
کردستان ایران خود مختاری وسیع و دمکراتیکی را طالبیم که

حداکثر منافع کارگران و زحمتکشان را تا مین کند و برای آنها  
برنامه خودمختاری برای کردستان را در کنگره سوم به تصویب  
رسانده ایم و خودمختاری را شکلی از رفع ستم ملی میدانییم و  
در عین حال حق ملل را در تعیین سرنوشت خویش به عنوان یک  
بند از برنامه خود خواستاریم .

س (۲۵) - نظر شما درباره دخالت مذهب در حکومت چیست ؟  
و همانطوریکه میدانید سا زمان مجاهدین در مذهبی  
بودن دولت آینده اصرار دارد، در این باره چه  
فکر میکنید ؟

ج (۲۵) - جدائی دین از دولت را بعنوان یک اصل دمکراتیک  
میدانیم و تسلط دین بر دولت به هر عنوان و رنگ  
و روغنی که باشد مثل دمکراتیک اسلامی و غیره را  
ارتجاعی میدانیم و اصرار مجاهدین را در مذهبی  
بودن ناشی از خصوصیت سار شکاران آنها میباشد  
و علیرغم تجربه تلخ توده ها از تسلط دین بر دولت ،  
به عبت برای این ایده ارتجاعی پای میفشارد .

س (۲۶) - در اوایل روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی موارد  
متعددی دیده شد و هم اکنون نیز جسته گریخته ادامه  
دارد که رژیم به صادره اموال بعضی از سرمایه داران  
میپردازد شما این مسئله را در رابطه با ماهیت رژیم  
چگونه تحلیل میکنید ؟

ج (۲۶) - همانطوریکه در سوال ۲۵ به نوعی دیگر مطرح شده  
بود گفتیم که صادره اموال مخالفین رژیم جمهوری  
اسلامی که عده ای از آنها هم ممکن است سرمایه دار  
باشند بهر بهانه ای ، هیچ تغییری در ماهیت  
سورژواشی حکومت نمیدهد . و صادره کردن اموال  
عده ای سرمایه دار توسط یک سرمایه دار برتر

ا) حکومت جمهوری اسلامی خود یک بدیده عادی روائی است .

سرمایه داران هم دیگر راضی به تعدی با رقابت و نوطئه . . . . .  
و با روزه اعمال قدرت و . . . . . در عوض نقاضاهای مکرر  
وقواسن مکرر علمای اعلام را هم داریم که برای ترغیب و جذب  
سرمایه ها تلاش میکنند .

س (۲۷) - همانطور که میدانید در رژیم جمهوری اسلامی مدتی  
مضحک اسعال سعادت آمریکا را برآه انداخت . سه  
بظرف شما این عمل چه منافعی برای رژیم در برداشت .  
موضع سعادت در آن زمان در این مورد چه بود و اکنون آن  
را چگونه بررسی میکنید ؟

ج (۲۷) - در آن زمان هم ما این بدیده را صرفاً دروغ و مضحکهای  
برای فریب بوده ها ارزیابی کردیم و دیدیم که  
چگونه بسیاری از سازمانها و گروهها حتی آنها شکی  
خود را مارکسیسم می شناسند در دام این مضحک  
گرفتا شد و حکومت با این شعبده بازی تاریخی  
نواست برای مدنی معفها و اختلالات داخلی و  
شکست را در گردنشان بیوشاند و در برسانه فحاشی  
به آمریکا خود را برای سرکوب جنبش پرولتری و  
انقلاب آماده کند .

س (۲۸) - مرحله و ماهیت انقلاب کنونی ایران را چه میدانید  
و مسائلات اقتصادی - سیاسی و اجتماعی را پس از  
سقوط رژیم اسلامی چگونه پیش بینی میکنید ؟

ج (۲۸) - چنانکه در سئوالات بالا اشاره کردم ، مرحله کنونی  
انقلاب را دمکراتیک ارزیابی میکنیم و خواستار  
جمهوری دمکراتیک انقلابی ایران هستیم و سعی  
کوشیم با فراخواندن و تشکل پرولناریا و کمونیستها

به زیر پرچم حزب کمونیست آلترناتیو انقلابی ای در برابر سقوط رژیم موجود بیاید، ولی بعد از سقوط حکومت اسلامی اگر انقلاب نتواند پیروز شود شکل دیگر از حکومت بورژوازی بر سر کار خواهد آمد. و ما چشم انداز بوجود آمدن قطب انقلابی را ممکن میدانیم و هم اکنون در کردستان طلوع آنرا مشاهده میکنیم.

س (۲۹) - به نظر شما سیاست خارجه، دولت انقلابی آینسده ایران بر چه مبنایی باید استوار باشد؟ سیاست عدم تعهد، تکیه بر اردوگاه سوسیالیزم و دوستی با کشورهای سرمایه داری؟

ج (۲۹) - بی شک ما خواهان سیاست متکی به احترام متقابل، عدم دخالت در امور داخلی دیگران هستیم.

س (۳۰) - آیا به نظر شما "اردوگاه سوسیالیسم" به مفهوم واقعی خود، اکنون در جهان وجود دارد؟ اگر دارد نام ببرید؟

ج (۳۰) - ما کشورهای کنونی شوروی و امارات آن و چین و غیره، را سوسیالیست ندانسته و آنها را جزو کشورهای امپریالیستی ارزیابی میکنیم و کلمه اردوگاه سوسیالیستی را که اکنون به شوروی و کشورهای اروپای شرقی اطلاق میشود یک اسم بی مسمی دانسته و این کشورها را سوسیالیستی ارزیابی نمیکنیم.

جواب سئوالات توسط نماینده کومله

در اروپا داده شده است

## چریکهای فدایی خلق ایران ( ارتش رهایی بخش خلقهای ایران )

س (۱) - زمینه‌های مادی - تاریخی موجود آ‌مدن رژیم ارتجاعی  
آخوندی در ایران را چگونه ارزیابی میکنید ؟  
ج (۱) - قبل از پاسخ به این سؤال یک نکته را تذکرده‌ایم  
و آن اسمکه اصطلاح " رژیم ارتجاعی آخوندی " را نام -  
گذاری درستی برای رژیم فعلی نمیدانیم ، زیرا  
این واژه ماهیت این رژیم را مشخص نمیکند و حتی این  
رژیم در تداوم خود میتواند آخوندی ( به مفهوم مصطلح  
آن ) باشد ، همانطور که در ابتدا نیز کاملاً این چنین  
بود .

از نظر ما این رژیم یک رژیم وابسته به امپریالیسم است و اساساً  
با رژیم قبلی یعنی رژیم وابسته شاه تعلق ندارد .  
و از همین زاویه میتوان زمینه مادی روی کار آمدن آنرا نیز  
توضیح داد . با توجه به اینکه جامعه ما یک جامعه تحت سلطه  
است ، خواه ناخواه برای حفظ این سیستم ، رژیم سیاسی نیز ،  
حزب رژیم وابسته چیز دیگری نمیتواند باشد . اما اگر منظور  
نما این است که به چه دلیل این رژیم در این شرایط چنین  
خصوصیاتی را خود گرفته است ، در پاسخ باید به شرایط  
مبارزاتی جامعه در جریان مبارزات توده‌ای سالهای ۵۷ - ۵۶  
اشاره‌ای بکنیم .

همانطور که میدانید در این مبارزات که اساساً خلقت ضدد

امپریالیستی داشت، خرده‌بورژوازی پیشقدم بود. و با توجه به وجود سنت‌های مذهبی در جامعه ما مخصوصاً در میان همیمن قشر خرده‌بورژوازی و بعلاوه با توجه به اینکه مذهب پوششی است که ظرفیت پذیرش ارتجاعی‌ترین محتوی را دارد، امپریالیسم از این پوشش برای پیشبرد منافع خود استفاده کرد و در این رابطه تلاش نمود کسی را بیاورد که هم از نظر مردم بعنوان یک عنصر ضد امپریالیست شناخته شده باشد و هم معتقد به مذهب باشد. ارتجاعی‌ترین محتوای ممکنه باشد و این شخص خمینی بود.

س (۲) - تقریباً ۴ سال است که از عمر رژیم جمهوری اسلامی میگذرد و نظریات مختلفی در این چهار سال از طرف گروه‌ها و سازمانها درباره ماهیت و عملکرد آن بیان شده ولی اکنون اینطور به نظر میرسد که اکثر این گروه‌ها و سازمانهای سیاسی دیگر نظر سابق خود را ندارند میخواستند بدانم نظر شما درباره ماهیت رژیم کنونی چیست؟

ج (۲) - متأسفانه اکثر سازمانها نتوانسته‌اند در قبال رژیم کنونی موضع درستی اتخاذ کنند و این ضعف جنبش انقلابی را در جامعه ما نشان میدهد.

اما ما هیچوقت جزء این اکثریتی که گفتید نبوده‌ایم. ما از همان ابتدای شکل‌گیری مجدد خود در خرداد ماه ۵۸ اعلام کردیم که این دولت یک دولت وابسته به امپریالیسم است و برای این ادعای خود دلایلی داشتیم. عملکردهای سه چهار ساله این رژیم نشان داد که ما اشتباه نمی‌کردیم و اکنون نیز بر این موضع پای میفشاریم و این رژیم را یک رژیم وابسته به امپریالیسم می‌شناسیم.

س (۳) - اگر شما این رژیم را وابسته تحلیل میکنید و میگوئید در جهت منافع امپریالیسم قدم بر میدارید پس



مصادره اموال سرمایه داران را چگونه تحلیل میکنید ؟  
ج (۳) - بطور کلی این تذکره را لازم میدانیم که بعضی از عملکرد  
- های طبقات حاکم ، اگر بدون توجه به وضعیت مبارزه  
طبقاتی بررسی شوند یا به هیچ وجه قابل توضیح  
نیستند یا اینکه ماهیت آنها کاملاً قلب میشود .

مثلاً امیرالایم اگر برای به انحراف کشانیدن مبارزات  
توده‌های قربانی کردن بهترین بهره‌های خود را بی‌ضروری  
ببندد ، مسلماً این کار را خواهد کرد و اگر حزاین باشد یا بدعویب  
به نظر برسد ، اما در رابطه با سؤال فوق اولاً یک اصلاح کوچک  
را ضروری میدانیم و آن اینست که بجای مصادره اموال سرمایه -  
داران باید گفت " مصادره اموال بعضی از سرمایه داران " .  
در این رابطه این رژیم با یک تیردو نشان رازد :

اولاً بواست خود را بجزم دار مبارزه ضد امیرالایستی جا بزنند  
و ثانیاً اگر توجه کنید بیشتر این سرمایه داران ، از عناصر سر  
و اسنده دربار با بهر حال بوروکراسی حاکم بودند ، که ریخت  
و پاشهای بی حد و حصر آنها ، امیرالایسم را از بخش عظیمی از  
منافع خود محروم داشته بود که با این مصادره‌ها و دولتی کردن  
آنها ، این ثروتها بطور فعالی میتوانند در مدار سرمایه  
امیرالایستی قرار گیرند .

س (۴) - در تحلیل گروهها و سازمانهای مختلف سیاسی دیده  
میشود که خمینی در ایجاد این رژیم نقشی ایفا کرده  
است بنظر شما امیرالایسم از خمینی چه استعاده‌هایی  
برای برپا شدن این رژیم کرده است ؟

ج (۴) - همانطور که قبلاً گفتیم از نظر امیرالایستیها بهر حال  
انحراف مبارزه ضد امیرالایستی ، تحت یک پوشش  
مذهبی مطرح بود .

برای جنین هدفی می بایست عناصری را به میدان می آوردند

که هم از نظر مردم مورد قبول باشد و هم از نظر خودشان! از نظر مردم عناصری مورد پذیرش بودند که مبارز بودندشان، مسجّل باشد، که خمینی اینرا داشت یعنی آن روزه بی محتوا و بی رنگ و بوی سال ۴۲ بهر حال کار خود را کرده بود (فعلا دلایلش بماند) و از نظر مردم خمینی دارای یک موضع مبارزاتی بود و در عین حال در واقعیت تمام شرایطی را که برای نجات سیستم و انحراف جنبش لازم بود، در خود داشت از همین رو تمام دستگاہها<sup>۴</sup> تبلیغاتی و وابسته به امپریالیسم این وظیفه را به عهده گرفتند تا او را در رأس جنبش قرار دهند و بدین ترتیب توانستند این جنبش را از محتوای انقلابی خویش تهی سازند.

س (۵) - هم اکنون در صف مخالفین رژیم افراد و سازمانهای سیاسی وجود دارند که برخی از این افراد و سازمانها حتی در بنای این رژیم نقش فعالی داشتند ولی اینک در مقابل این رژیم قرار دارند و خواهان سرنگونی آن هستند - شما این مسئله را چگونه تحلیل میکنید و نظرتان درباره آن چیست؟

ج (۵) - این افراد و سازمانهایی که میگویند برای شرایط خاصی آمده بودند و بعد از اینکه وظایفشان را انجام دادند میبایست میرفتند که رفتند.

در شرایطی که حیات سیستم امپریالیستی میرفت که به خطر بیفتد، تمام کسانی که نفعی در حفظ این سیستم داشتند به میدان آمدند و هر چه در چنته داشتند در طبق اخلاص گذاردند تا مشترکاً بهر حال کاری انجام دهند. وقتی در هر صورت وظایف خود را انجام دادند دوباره تضادهای قدیمی گل کرد و بجان یکدیگر افتادند و برنده هم کسی بود که گذشته از چیزهای دیگر، حمایت مستقیم ارباب را نیز با خود داشت حتی خود رژیم جمهوری اسلامی با این خصوصیات بنظر میرسد که وظیفه پیشبرد آخریست

مرحله را استراتژی امپریالیستی ، برای تثبیت اوضاع بعد از قیام را بعهده دارد و در صورت موفقیت در احاطه این وظیفه کسی از قسمت‌های مهم آن کنترل اوضاع گردستان است . احتمالاً در آینده منتظر محاکمه سران همین رژیم نیز خواهیم بود .

س ( ۶ ) - در آغاز روی کار آمدن رژیم اسلامی ، اکثر گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی یا خواهان انحلال ارتش و سپاه یا خواهان اصلاح آن بودند ولی اکثر کمیته‌ها و پاسداران انقلاب را ارگانه‌های مردمی تحلیل می‌کردند و برعکس امروز ملاحظه می‌کنیم که اکثر همگان سازمان‌ها ، پاسداران و کمیته‌ها را ضد مردمی و دشمنان خلق تلقی می‌کنند ولی در ساراه ارتش نظیر روشی ابرار نمی‌دارند . به نظر شما این اتخاذ مواضع بر چه پایه‌ای است ؟

ح ( ۶ ) - ببینید تا وقتی که یک سازمان اهداف روشی را در روی خود نداشته باشد ، و بر اساس این اهداف بر پایه روش و خط مشخصی را در پیش بگیرد ، دچار نواسانات و انحرافات زیادی خواهد شد و عملاً دورتر از سوک سوسی خود را خواهد دید .

اس سازمان‌هایی که مورد نظر شما هستند ، نه فقط در مورد ارتش و پاسداران چنین ریگزا کهایی دارند ، بلکه در قبال بیشتر مسائل اجتماعی ، مواضعی متناقض و مبهم اتخاذ نمودند .

در این دوسه سال بی پرنسیبی اپورتونیزم آشکارا به نمایش گذاشته شد و علت بلا واسطه این وضعیتی که می‌گویید در همین جا نهفته است که خود این بی‌زناسی از مواضع طبقاتی غیر پرولتری است . بهر حال در این مورد نیز سازمان ما هیچگاه دچار توهم نشد و سپاه پاسداران و ارتش را در یک صف و جزء نیروهای سرکوبگر رژیم ارزیابی نمود و هم‌اکنون نیز چنین وضعیتی را

درقبال آنها دارد .

س (۷) - گروهها و سازمانهای سیاسی متحدا معتقدند که اکثریت مردم با رژیم مخالفند و خواهان سرنگونی این رژیم هستند اگر چنین است پس چرا مردم واکنش نشان نمیدهند و چرا حرکات توده‌ای وسیع دیده نمیشود ؟

ج (۷) - این واقعیتی است که اکثریت مردم از این رژیم ناراضی اند .

اما همیشه ناراضی توده‌ها بصورت مبارزات وسیع توده‌ای خود را نشان نمی‌دهد ، عوامل مختلفی ممکن است آنرا بکشد تا خیربیا نندازند در این مورد مشخص به نظر ما از یک طرف دیکتاتوری و خفقان حاکم و از طرف دیگر پراکندگی و تشقت و بی‌برنامگی سازمانهای سیاسی و تاثیرات آن بر ذهنیت توده‌ها ، نقش مهمی را ایفا کرده است البته این عوامل می‌توانند مبارزات وسیع توده‌ای را به تاخیر بیا نندازند و مسلما ما در آینده‌ای شاید نه چندان دور شاهد چنین مبارزاتی خواهیم بود در ضمن ذکر این نکته را هم ضروری میدانیم که با توجه به مبارزات وسیع خلق کرد ، و مبارزات پراکنده توده‌ها در نقاط مختلف گفتن اینکه توده‌ها واکنش نشان نمیدهند ، قدری بی‌انصافی است .

س (۸) - در بین نیروهای که خواهان سرنگونی رژیم خمینی هستند اختلافاتی موجود است که این اختلافات از جمله در باره ترکیب و ماهیت قدرت سیاسی آینده ایران و نیروی رهبری کننده انقلاب میباشد عقیده شما در این مورد چیست ؟

ج (۸) - ما معتقد به جمهوری دمکراتیک خلق هستیم و بنا بر این نیروهای طبقاتی مختلف میتوانند در این دولت سهم شـونـد ، به شرط آنکه دارای موضع ضد

امپریالیستی باشند

اما به اعتقاد مارهبری این حکومت با پرولتاریاست و با بر این چنین حکومتی اساساً یک حکومت پرولتری است. البته این وضعیت مبارزه طبقاتی است که تعیین میکنند در موقع کسب قدرت سیاسی دقیقاً چه بروهائی و تاجه حد میتوانند در این دولت سهم بسازند اما آنچه امروز روشن است اینست که دهقانان و ارضداران ارخرده بورژوازی سهر و بیعه پرولتاریای روسا دارای موضع ضد امپریالیستی هستند و جز متحدین پرولتاریا به حساب می آید

س (۹) - برخی سارمانهای سیاسی تشدید ترور و اخناق توسط جمهوری اسلامی را نکردن سارمان مجاهدین خلق و سارمانها و حریانانی که معتقد به مبارزه مسلحانه هستند و در جنبه مبارزات حاضرند میگردارند و معتقدند که علت اختناق بی سابقه را باید در حرکات (افراطی) اس سارمانها جستجو کرد. بنظر شما آیا این نظریه درست است؟

ج (۹) - مسلماً ما چنین نظری را نمیتوانیم قبول داشته باشیم زیرا هم بطور که میدا میدا زمان ما معتقد به مبارزه مسلحانه است و اعتقاد دارد که باید ثوده ها را حصول همین مبارزه ای بسیج کرد و عملاً بیش از سه سال است در مبارزه مسلحانه خلق کرد شرکت دارد و یکسال است که مبارزه مسلحانه را از جنگلهای شمال ایران آغاز کرده است و در این مدت رفقای ما ضربات متعددی را به ارگانه های سرکوب رژیم در ما زندران وار کرده اند علاوه در شهر نیز ما عملیات مسلحانه داشته ایم و در نظر داریم در صورت امکان آنرا نیز گسترش دهیم.

این نظرات یک راه هم میتواند درست باشد اما نتیجه ای که

از آن گرفته میشود درست برعکس آن چیزی است که سازمانها نتیجه میگیرند. زیرا رژیم حاکم مسلماً وقتی با مبارزهای روبرو شود که موجودیت آنها را به خطر میاندازد عکس العمل نشان خواهد داد و بر شدت سرکوب خود خواهد افزود و برعکس اگر فرض کنیم که در جامعه هیچ مبارزهای که طبقه حاکم را به خطر اندازد وجود نداشته باشد، مطمئناً شدت سرکوب هم به همین حد کم خواهد شد البته در یک جامعه تحت سلطه این فرض محالی است زیرا بعلمت ماهیت نظام همیشه امکان گسترش مبارزات "خطرناک" برای طبقه حاکم وجود دارد اما به فرض امکان چنین حالتی، آیا یک سازمان انقلابی باید یک حرکت بی رنگ و خاصیت را در پیش گیرد تا رژیم به خطر نیفتد و در نتیجه عکس العمل نشان ندهد یا اینکه دقیقاً بعلمت انقلابی بودن خود باید مبارزهای را در پیش گیرد که حاکمیت را به خطر میاندازد (۱)؟

فکر میکنیم جواب روشن باشد فقط از اینکه رژیم گاهی بسه سراغ بی خطرهای هم میرود متأسفیم!

س (۱۰) - همانطوریکه میدانید وضع اقتصاد دی رژیم بسیار اسفناک است کاهش درآمد نفت، خوابیدن چرخهای تولیدی، هزینه های سرسام آور جنگ وگرانی، بیکاری و... عواملی هستند که در بررسی کوتاه بجزرات میتوان گفت، که باعث سقوط رژیم خواهند شد ولی چرا علیرغم این همه مشکلات با زاین رژیم همچنان پابرجاست، عامل اصلی بقای رژیم در چیست؟

ج (۱۰) - علت اصلی بقای رژیم عدم وجود مبارزات مسلحانه وسیع توده های سازمان یافته است و علت این امر را هم در پاسخ سؤال هفتم شما بطور خلاصه توضیح دادیم اما یک نکته را باید تاکید کنیم و آن اینکه به اعتقاد ما مبارزات توده های در صورتی میتواند یک

حول انقلابی در جامعه ایجاد کند که رهبری آن با پرولتاریا باشد . در غیر این صورت به انحراف کشیده خواهد شد .

س (۱۱) - بعد از ۳۰ خرداد که مبارزه مسلحانه‌ی شهری ابعاد وسیعی گرفته بود خصوصا بعد از اعدام انقلابی سران حکومت ، بعضی از نیروهای مخالف رژیم از جمله سازمان مجاهدین خلق ایران ، این امید را بوجود آورده بود که سرودی رژیم سقوط خواهد کرد و سازمان مجاهدین خلق نیز انتظار داشت که تحت تاثیر مبارزه مسلحانه‌ی شهری مردم وسیعا وارد میدان شوند ، ولی علیرغم این ابتکارات ، بنظر میرسد که رژیم توانسته است ظاهرا خود را حفظ کند و توده‌ها از خسود واکنشی نشان نداده اند شما این شرایط را چگونه تحلیل میکنید ؟

ج (۱۱) - در سئوالات شما چند جا از سازمان مجاهدین نام برده شد لازم است در مورد وضعیت سازمان مجاهدین توضیحی بدهیم .

بنظر ما سازمان مجاهدین بعد از قیام بیستم ماه ، آن سازمان مجاهدین بیست که در دهه پنجاه در جامعه مبارزه میکرد ، این سازمان بعد از قیام در بسیاری از زمینه‌ها ، از مواضع رادیکال پیشین خود عقب نشست و چون همان سابقه مبارزاتی درخشان ، توده‌های وسیعی را به طرف این سازمان کشیده بود ، عملکردها و مواضع انحرافی این سازمان توهمات زیادی را در بین زحمتکشان جامعه مادام زده . این سازمان ابتدا رهبری خمینی را تا بید نمود ، از مضحکه اشغال سفارت پشتیبانی کرد ، حاضر شد به پیشهاد خمینی ، بشریه خود را تعطیل نماید و در بسیاری از سمایشات انتخاباتی رژیم شرکت کرد و با بنی صدر " شورای ملی مقاومت " آجنمایی تشکیل داد و . . . . . که

بررسی همه جانبه این حرکات جای بحث دیگری دارد .  
حتی این سازمان مدت‌ها نه فقط هیچ نقش مثبتی در مبارزه خلق  
کرد ایفا نکرد بلکه بطور ضمنی آنرا حتی در مواردی محکوم نمود .  
آن توهمی که بعد از ۳۰ خرداد بوجود آمده بود نیز یک چشمه از  
کارهای همین سازمان است . البته ما حما سه‌هایی را که بسیاری  
از مجاهدین در شهرها آفریدند ندیده نمی‌گیریم اما تاکتیکهای  
قهرآمیز حتی اگر به بهترین نحوی هم پیاده شوند ولی در خدمت  
برنامه‌های رفرمیستی باشند ، نمیتوانند نتایجی انقلابی به  
باربیاورند و این هشدار است که مجاهدین باید بدان توجه  
کنند بنظر ما همان‌طور که گفتیم ، جز در جریان جنگ نبوده‌ای  
طولانی به رهبری پرولتاریا ، امکان ناسودی حاکمیت  
امپریالیسم درجا معه ما وجود ندارد .

رهبری پرولتری در حقیقت تضمین کننده جهت‌گیری و برنامه  
انقلابی این مبارزه است . خوب اگر صحبت از یک تحول انقلابی  
در حاکمیت سیاسی است ، جز این راه دیگری وجود ندارد اما اگر  
سخن از تغییر و تعویض مهره‌ها و گروه‌های ارتجائی و وابسته  
است ، میتوانند به دلایل مختلف و در شرایط مختلف چگونگی  
تغییراتی بوقوع بپیوندند ، اما این مورد چه مسئله‌ای رامی  
خواهد برای انقلاب حل کند ؟ چه پاسخی میخواهد به خواست  
توده‌ها بدهد ؟ ما هیچگاه چنین انتظاراتی نداشته و نداریم  
که چند روزه و چند ماهه رژیم سرنگون شود و اگر همین اتفاق  
بیفتد مطمئنیم که فقط یک جایجائی از بالاست .

توده‌ها را به چنین تغییراتی دلخوش کردن ، و بوجود آوردن  
توهمات از این قبیل و اهمیت بیش از حد برای آن قائل  
شدن ، سنگ اندازی بر سر راه انقلاب است . با توجه به این  
توضیحات فکر میکنیم ، به این سؤال جواب داده باشیم که چرا  
" علی‌رغم این ابتکارات " رژیم‌ها را توانسته است انجام



خود را حفظ کند اما باید بگوئیم که علی‌رغم این انسجام ظاهری مبارزات نیروهای مختلف و از جمله همین مجاهدین توانسته است ضرباتی را بر پیکر رژیم وارد آورد که اهمیت آن کم نیست و بشرط تداوم و جهت‌گیری انقلابی نتایج مثبت آن درآینده خود را نشان خواهد داد .

س (۱۲) - بعد از ۳۰ خرداد " شورای ملی مقاومت " بوجداد آمد و در ابتدا بطور واضح خود را اعلام کرد که این شورا میتواند با وضعیت کنونی میتواند به امید توده‌ها میل گردد؟  
س (۱۳) - ممکن است بگوئید چرا هیچ سازمان چپ شناخته شده‌ای در این شورا شرکت ندارد؟

ج (۱۳) و (۱۲) - به نظر ما بهیچ وجه نمیتوان امید دیگری به " شورای ملی مقاومت " با آن شرایطی که تا اینجاست مشخص شده است ، داشت زیرا برنامه‌های که " شورای ملی مقاومت " ارائه میدهد یک برنامه گل و گشاد و فرمیستی است و همین عامل است که باعث میشود حتی نیروهای امثال بنی صدر هم در آن شرکت داشته باشند و همین عامل است که باعث میشود چپ انقلابی در این " شورا " شرکت نداشته باشد .

س (۱۴) - بعد از ۳۰ خرداد از فعالیت سازمانهای کمونیستی در جنبش تقریباً خبری نبود ، یعنی نقش فعالی که در روزهای قیام ۵۷ داشتند در این روز و روزهای بعد از ۳۰ خرداد نداشتند من فکر میکنم جنبش کمونیستی در داخل ایران در نهایت ضعف و پراکندگی بسر میبرد فکر میکنید این وضع تا کی ادامه خواهد داشت و کلاً بگوئید ریشه و خصوصیت بحران چپ در

## یسران چیست ؟

ج (۱۴) - البته ما معتقد نیستیم که سازمانهای کمونیستی (به مفهوم مصطلح آن) در روزهای قیام سال ۵۷ نقش فعالی ایفا کردند ولی بهر حال نقش آنها پس از ۳۰ خرداد از این حد بسیار تنزل کرد.

ما هم این نظر شما را که "جنبش کمونیستی در داخل ایسرا در نهایت ضعف و پراکندگی بسر میبرد" تا پید می‌کنیم اما اینکه این وضع تا کی ادامه خواهد داشت، سئوالی است که نمیتوان بدان پاسخ دقیقی داد. زیرا به عوامل متعددی بستگی دارد. فقط میتوانیم بگوییم که این سه چهار سال پس از قیام زمینه های حل چنین بحرانی را فراهم کرده است، به اعتقاد ما خصوصیت اصلی بحران چپ، شکاف عظیم بین تئوری و عمل آن است و ریشه این نیز در جدایی آن از توده ها و ترکیب عمدتاً روشنفکری این جنبش نهفته است. اینکه می‌گوییم شکاف بین تئوری و عمل به این مفهوم نیست که مانیروهای چپ را از نظر تئوریک تا پید می‌کنیم یا نارساییهای آنرا نمی بینیم بلکه به اعتقاد ما اگر تلاشی جدی برای به عمل درآوردن همین تئوریها صورت می‌گرفت، ضعفها و انحرافات تئوریک آن نیز مشخص تر میشد و امکان برطرف نمودن آنها فراهم می‌گشت.

حرکت غالباً خودبخودی سازمانهای چپ نیز از همین شکاف بین تئوری و پراتیک ناشی میشود.

س (۱۵) - به نظر شما چه قشرها و طبقاتی در جامعه ما انقلابی اند و نقش این طبقات و گروههای اجتماعی را در انقلاب آینده چگونه می بینید ؟

ج (۱۵) - بنظر ما طبقه کارگر انقلابی ترین طبقه در جامعه ما است بجز این طبقه دهقانان و نیمه پرولتاریای روستا و اقشاری از خرده بورژوازی شهری، نیروهای

هستند که درصفا انقلاب قرار دارند. اما اینکه در آینده مثلا پس از کسب قدرت سیاسی این اقشار چه نقشی خواهند داشت، بستگی به پیرویه و وضعیت مبارزه طبقاتی در جامعه ما دارد و اکنون نمیتوان دقیقا به این سؤال پاسخ گفت.

س (۱۶) - برخی از سازمانها و شخصیت های سیاسی این رژیم فاقد برنامه اندوکی از خصوصیات این رژیم سیاسی برنامه ای آن است. بنظر شما این نظریه درست است؟

ج (۱۶) - ما این نظر را درست نمیدانیم و معتقدیم که این رژیم مشخصا دارای برنامه است و برنامه آن اساسا ادامه برنامه های است که رژیم قبلی در حال پیاده کردن آن بود منتها با توجه به شرایط جدید و تغییراتی که در وضعیت مبارزاتی جامعه ایجاد شده است در برنامه های این رژیم نیز تغییراتی بوجود آمده است که این تغییرات اساسی نیست.

س (۱۷) - قیام بیمن ماه ۵۷ چه تغییراتی در وضعیت نیروها و کمبیت مبارزات توده ها بوجود آورده است؟

ج (۱۷) - مهمترین تغییری که در جریان قیام بوجود آمد، خارج شدن مبارزات توده ها از حالت رکود بود که جمهوری اسلامی تمام تلاش خود را برای اینکه این حالت را به مبارزات توده ها برگرداند، به کار برده و هم اکنون نیز در این جهت بیشترین نیرو را بسیج کرده است اما پس از تقریبا ۴ سال موفق به انجام این کار نشده است و حتی چشم انداز فعال تر شدن این مبارزات کاملا آشکار است، این قیام درسهای زیادی را به توده ها آموخت و آگاهی آنها را در حد زیادی بالا برد، بعلاوه در جریان قیام و پس

از آن تزلزلات لایه‌های بالائی خرده‌بورژوازی شهری که اساساً آشکار شد و از این لایه‌ها عناصر زیادی به صف ضدانقلاب پیوستند که این واقعیت می‌تواند تغییراتی را در صف بندی نیروهای طبقاتی در آینده ایجاد کند .

قیام بهمن ماه بخش وسیعی از نیروهای چپ را که در لاک خود بودند و تمام هم و غمشان ، رد تئوری مبارزه مسلحانه و محکوم نمودن مبارزات چریکهای فدائی خلق بود ، بمیدان کشید و ضعفها و انحرافات اساسی آنرا عملانشان داد و این نیز خود می‌تواند به تقویت نیروی چپ کمک کند .

س (۱۸) - برای پیروزی انقلاب چه شکلی از مبارزه را عمده میدانید و اصولاً برنامه عمل پیشهادی شما در این خصوص چیست ؟

ج (۱۸) - ما در جوابهای قبلی پاسخ به این سؤال را داده‌ایم و گفتیم که مبارزه مسلحانه را محوری میدانیم و اشکال دیگر مبارزه در چنین متنی می‌توانند موثر واقع شوند .

اما درک ما از مبارزه مسلحانه ، آن چیزی نیست که مخالفین ما می‌گویند تا راحت بتوانند بدان بتازند . ما معتقدیم جنگ توده‌های طولانی هستیم که ایده‌های اساسی آن در کتاب "مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک" نوشته رفیق کبیر مسعود احمدزاده آمده است . در این رابطه ما مشخصاً حرکت در جهت گشودن جبهه‌های جدید (بجز کردستان) را عملی و ضروری می‌دانیم که مشخصاً از جنگ پارتیزانی در روستا شروع می‌شود و مبارزات مسلحانه شهری نقش کمکی را در این رابطه ایفا میکند . حرکت پارتیزانی ما در شمال ایران و در حد محدودی در شهرها ، بر اساس چنین برنامه‌ای صورت می‌گیرد و تجربیاتی که ما تا کنون بدست آورده‌ایم ، بسیاری از ایده‌های ما را تأیید

نموده است که در نظر داربم بطور مشروح بر این سرمایه و تجربیات خود روابطه اشکال دیگر مبارزه با مبارزه اصلی را در اختیار حبس فراردهیم .

س (۱۹) - اگر معتقد به مبارزه مسلحانه هستید ممکن است بپس گویند چرا اکنون این شکل از مبارزه ، یعنی مبارزه مسلحانه قادر به بسیج واقعی نوده ها نشده است ؟

ج (۱۹) - برعکس ، تجربیات بعد از قیام نشان میدهد که تنها مبارزه مسلحانه است که قادر به بسیج واقعی توده ها است ، در این رابطه باید به مبارزات خلق کرد ، مرکز و در حد محدود سری خلق عرب اشاره کرد .

چه شکل دیگری از مبارزه توانسته است در این حد توده ها را به میدان بکشد ؟ اما ضعفی که مشاهده میشود ناشی از خسود مبارزه مسلحانه ، بلکه ناشی از عدم رهبری انقلابی و سرمایه سرمایه این مبارزات است . اگر توجه کنید بعد از قیام تنها مبارزاتی که به مبارزه مسلحانه معتقد بود سازمان ما بود و هنوز هم با حدی از حبس است علی این امر جای بحث دیگری دارد ولی بهر حال واقعیت این چنین بود ما از خود انتظار نداشتم که حتی در صورت هیچگونه اشتباهی بتوانیم در پروسه های کوتاه ، بخش وسیعی از توده ها را بسیج کنیم ، زیرا گذشته از اینکه بسیج واقعی توده ها در مبارزه مسلحانه معمولا تدریجی است ، سازمان ما از توانائی های بسیار محدودی نیز برخوردار بود . اما عامل دیگری که به این امر کمک کرد ، ضعفها و اشتباهات خود ما بود که در نتیجه نتوانستیم از نیروی محدود خود ببرد در حد مطلوبی بهره گیری کنیم ، میخواهیم بگوییم که مبارزه مسلحانه بدون رهبری و سازماندهی آن نمیتواند مورد بررسی قرار گیرد و اگر با توجه به این جنبه ها تجربیات

همین سه چهار ساله را مورد بررسی قرار دهید متوجه خواهید شد که این تجربیات تاییدی است بر این نظر که در شرایط حاکمیت امپریالیستی، این مبارزه مسلحانه است که میتواند توده‌ها را وسیعاً به میدان مبارزه بکشانند و سازماندهی نماید. تجربه خلق کرد در این رابطه میتواند بطور دقیق تری مورد بررسی قرار گیرد، اگر توجه کنید می بینید که پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی، مبارزات توده‌ای در اشکال مختلف آن در جریان بود و کارخانه‌ها و روستاها و خیابانها، همگی صحنه مبارزه بودند، اما رژیم با نیروی نسبتاً محدود و با یک یورش توانست تمام این مبارزات را سرکوب کند یا بهرحال مهار نماید اما با وجود آنکه عظیم‌ترین نیروی نظامی خود را به کردستان گسیل داشته است و حتی از نیروی تبلیغاتی و اقتصادی و فرهنگی خود نیز بخش مهمی را به این قسمت اختصاص داده است، باز هم هنوز در سرکوب این جنبش موفق نبوده است و همین مبارزه امکان کار فرهنگی و آگاه‌گرانه را در میان خلق کرد بنحوی سابقه‌ای بوجود آورده است.

بعلاوه به تاثیرات همین مبارزه خلق کرد بر مبارزات دیگر نیز میتوان توجه نمود، اما ما از اینداهم می‌گفتیم و اکنون نیز می‌گوئیم که تداوم و گسترش اصولی این مبارزه، منوط به رهبری انقلابی و با برنامه آنست و در غیر این صورت این مبارزه محکوم به شکست است و این امر به هیچوجه تاییدی بر نادرستی مبارزه مسلحانه نیست بلکه تاییدی بر درستی آن به مفهومی است که ما می‌گوئیم.

س (۲۰) - فکر میکنید چه شکلی از حکومت برای آینده ایران مناسب است و در این رابطه نقش طبقات مختلف را توضیح دهید ؟

ج (۲۰) - همانطور که قبلاً گفتیم آنچه امروز میتوان گفت این